

همراه با
ویژه نامه‌ی
خرداد سال

شاهر

کوردی

مرداد و شهریور
شماره ۱۴۰۴
بها... ۵۰۰۰ تومان





ویژه نامه خردسال قصص

۲۱ دانستنی‌ها

۲۲ دیگر خجالت نمی‌کشم

۲۴ نقاشی کوچولو

۱۱ تفاوت‌ها را بین و بگو!

۱۲ پرندۀ‌ها را کامل کن

۱۳ جوجه کوچولو و دانه گمشده

۱۶ چادر

۱ زیارت امام رضا (ع)

۲ هدیه خدا

۳ ساخت رنگین کمان

۶ داستان‌های نوید و ندا

۸ مراحل ساخت دوربین کاغذی

۹ ضرب المثل

۱۰ سرگرمی گنج خرگوش کوچولو

۱۷ شگفتی‌های پروانه‌ها

۱۸ قهرمان مهربان

۲۰ جد و ول متقاطع



سهیل کطولی ۱۱ ساله
به همراه مادر بزرگوارشان
در حملات ناجوانمردانه رژیم
صهیونیستی کودک کش، به
کشور ایران به شهادت رسیدند.

تصویرسازی جلد: فرامرز اصغری

★ مجله در تلخیص و ویرایش مطالب رسیده آزاد است.

★ مطالب رسیده بازگردانده نمی‌شود.

★ نقل مطالب مجله با ذکر مأخذ مجاز است.

صاحب امتیاز: بنیاد شهید و امور ایثارگران
مدیر مسئول: سعید گنجی کرد قشلاقی
مدیر تولید: سیده فاطمه رضائی
سر دبیر: زهرا خسروی
ناظر فنی: پرستو سلیمانی

دبیر تحریریه: کامیار زین العابدینی
مدیر هنری و گرافیک: مهرا س نباتی
تلفن: ۰۲۱-۸۳۲۳۲۶۵۰
آدرس الکترونیکی: mag.navideshahed.com
صندوق پستی: ۱۵۹۳۶۴۷۷۱۱
چاپ: چاپخانه سازمان فرهنگی سیاحتی کوثر

به نام خدا
شاهر
کوردی

مرداد و شهریور سال ۱۴۰۴ ★ شماره ۲۰۱ - ۲۰۰

جهت دریافت نسخه الکترونیکی نشریه
«شاهد کودک» می‌توانید به سایت نوید
شاهد به آدرس زیر مراجعه نمایید.

mag.navideshahed.com



زیارت امام رضا (ع)

جونمی جون با خاله جون
بازم می خوام برم حرم
مثل پرنده‌ها می‌شم
این ور و اون ور می‌پرم

خاله جونم یادم داده
یا کریمارو دون بدم
گنبد و گلدسته‌ها رو
به بچه‌ها نشون بدم

وقت اذان تو صحن تون
سجاده‌ها رو وا کنم
دستم و بالا بگیرم
از ته دل دعا کنم

شماره
کودکی

اکرم السادات هاشمی پور
شاعر



مرداد و شهریور ۱۴۰۴ شماره ۲۰۰-۲۰۱



هدیه خدا

یوسف با اینکه کوچک بود
اما دل بزرگ و پر از امید
داشت و با خدا راز و نیاز
می کرد:

خدایا! مرا تنها نگذار، کمک
کن...

به خواست خدا، یوسف به
وسیله کاروانی که از آنجا
عبور می کرد، نجات یافت.



روزی روزگاری، پسر
جوانی به نام یوسف در
کنار پدرش یعقوب و
برادرانش زندگی می کرد.
یوسف همیشه راستگو و
مهربان بود و به دیگران
کمک می کرد. او در
خواب هایی که می دید،
نشانه هایی از آینده را از
سوی خداوند دریافت
می کرد.

اما برادران یوسف به او
حسادت می کردند. آنها
دل شان نمی خواست
یوسف بیشتر از آنها
مورد محبت پدر باشد.
یک روز تصمیم گرفتند
یوسف را به چاه بیندازند!
یوسف در چاه افتاد و تنها
شد، اما هرگز ایمانش را
از دست نداد.

او به سرزمینی دیگر رفت و در آنجا با صداقت،
مهربانی و صبر خود، خیلی زود مقام و احترام
زیادی پیدا کرد.
سال‌ها بعد، برادرانش را دید. او برادران خود را
بخشید و به آنها آموخت که بخشش و مهربانی
آدم‌ها را بزرگ می‌کند.
خداوند در قرآن به ما می‌فرماید: «صبر داشته
باشید و از خداوند یاری بخواهید...»
(سوره یوسف)



رحیم جانفدایی

نویسنده

راضیه تقوی

تصویرگر

شاهر
کوری



مرداد و شهریور ۱۴۰۴ شماره ۲۰۰-۲۰۱

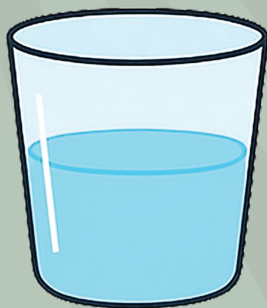


یکی از آزمایش‌های جالب
و ساده که می‌تواند خیلی
هیجان‌انگیز باشد، آزمایش
ساخت رنگین کمان
در ظرف آب است.



وسایل لازم:

- ۱ یک لیوان شفاف یا ظرف شیشه‌ای
- ۲ مقداری آب
- ۳ یک چراغ قوه یا نور مستقیم لامپ
- ۴ یک کاغذ سفید



چطور انجام بدهیم:

- ظرف شیشه‌ای را تا نیمه با آب پر کن.
- کاغذ سفید را کنار ظرف قرار بده.
- چراغ قوه را روشن کن و نورش را به ظرف آب بتابان، طوری که نور روی کاغذ بیفتد.
- نور را کمی حرکت بده و ببین! رنگ‌های قشنگ رنگین کمان روی کاغذ ظاهر می‌شوند.



چرا این اتفاق می‌افتد؟

نور سفید چراغ قوه از رنگ‌های مختلف ساخته شده است. وقتی نور از آب عبور می‌کند، شکسته می‌شود و رنگ‌ها از هم جدا می‌شوند. درست مثل رنگین کمان واقعی!



فرامرز اصغری
تصویرگر

شاهزاده
کوری



مرداد و شهریور ۱۴۰۴ • شماره ۲۰۱-۲۰۰

مسابقه دو نفره با دو برنده





شاهر
کوری



مرداد و شهریور ۱۴۰۴ • شماره ۲۰۱-۲۰۰

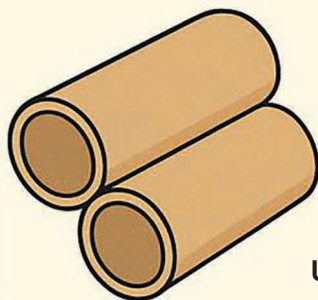
الهام عسگری

نویسنده

الهه شیخعلی

تصویرگر

کاردستی



☆ رول های دستمال کاغذی را با
سلیقه خودتان تزئین کنید.

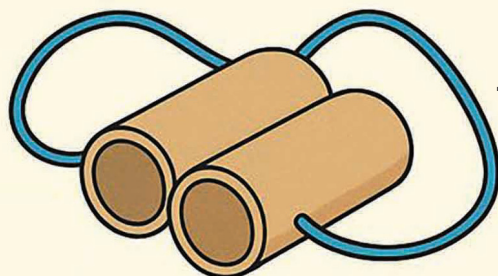
☆ دو رول دستمال
کاغذی را با چسب به هم
بچسبانید.



مراحل ساخت دوربین با
رول دستمال کاغذی:

وسایل لازم

- ☆ رول دستمال کاغذی
- ☆ چسب نواری
- ☆ (ترجیحا چسب های رنگی و تزئینی)
- ☆ کاموا یا روبان های رنگی
- ☆ ماژیک
- ☆ وسایل تزئینی دلخواه



☆ حالا دو طرف دوربین را سوراخ
کرده یا با چسب کاموا را بچسبانید
تا بند دوربین هم آماده شود

دوربین شما
آماده است



شاهر
کودی



دست بالای دست بسیار است

روزی در جنگل، خرگوش کوچولویی تصمیم گرفت سریع ترین حیوان جنگل شود. همیشه در دل فکر می کرد: «من باید از همه بهتر باشم!»

یک روز پیش لاک پشت رفت و با غرور گفت: «من از تو سریع ترم!» لاک پشت بالبختی آرام گفت: «باشه، بیا مسابقه بذاریم!»

خرگوش با سرعت برق آسا دوید و خیلی زود از لاک پشت جلو افتاد. وقتی به خط پایان رسید، با غرور گفت: «دیدی؟ من بهترینم!» اما درست در همان لحظه، فیل بزرگی از راه رسید و با صدای آرام اما قوی گفت: «آهای خرگوش! یادت باشه، دست بالای دست بسیار است.»

خرگوش کمی گیج شد و پرسید: «یعنی چی؟» فیل با صبر جواب داد: «یعنی همیشه کسی هست که از تو بهتره. شاید من از تو سریع تر نباشم، اما قطعاً قوی ترم!» ناگهان شیر از دور رسید و غرورآمیز گفت: «و من هم از همه قوی ترم!»

خرگوش سرش را خجالت زده پایین انداخت و فهمید که در جنگل هر کس توانایی خودش را دارد و همیشه کسی هست که در چیزی از او بهتر است.

از آن روز به بعد، خرگوش یاد گرفت به جای حسادت، از توانایی های دیگران خوشحال باشد و خودش را همان طور که هست بپذیرد.

ضرب المثل



گنج خرگوش کوچولو

بچه‌ها!
بادقت مسيرهارو
دنبال كنيد و خرگوش
كوچولو رو به هويج
برسونيد.

يك چيز
درخشان بالاى
درخت ديدم

فرامرز اصغرى
تصويرگر

مسيرى رو
انتخاب كن كه
از روباه دورتر
باشه

مرداد و شهرور ۱۴۰۴ شماره ۲۰۱-۲۰۰

شاهزاده
كودى

۱۵



تفاوت‌ها را
بین و بگو!

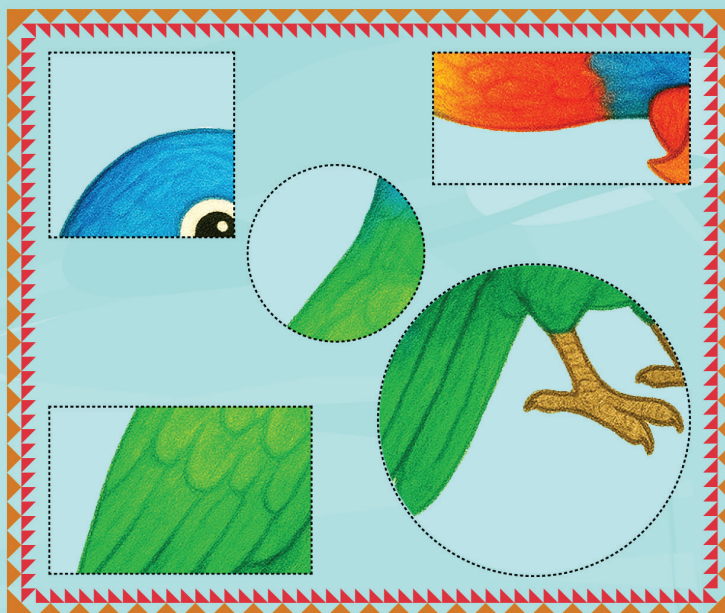
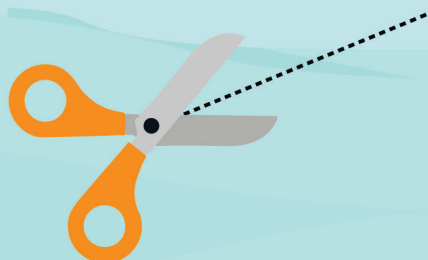


پرنده ها را
کامل کن

طوطی

طاووس

اجزاء بدن پرنده ها را ببر و
در جای مناسب بچسبان



طوطی



طاووس



جوجه کوچولو و دانه گمشده

قصه

صبح زود، جوجه کوچولو در حیاط مشغول نوک زدن زمین بود که دید یک گنجشک غمگین روی شاخه نشسته. جوجه پرسید:

«چرا ناراحتی؟» گنجشک گفت: «دانه‌ای که برای صبحانه پیدا کرده بودم، افتاد توی آب و دیگه نمیتوانم پیدا کنم.» جوجه کوچولو فکر کرد و گفت: «با هم برات یک دانه تازه پیدا می‌کنیم.»

شاهر
کوری

هادی فاتح بگی

نویسنده

راضیه سادات تقوی

تصویرگر

آنها با هم در حیاط گشتند. جوجه زمین را
نوک زد و گنجشک از روی شاخه ها نگاه کرد.
بالاخره کنار دیوار یک دانه خوشمزه
پیدا کردند. گنجشک خوشحال شد و گفت:
«تو بهترین دوست منی، چون برای خوشحالی
من وقت گذاشتی.»

جوجه کوچولو فهمید که وقتی به دیگران
کمک می کنی، دوستی و شادی چند برابر
برمی گردد.



چادر

مامان جونم دوخته برام
یه چادر خیلی قشنگ

مثل یه باغ آبی
پر از گلای رنگارنگ

وقتی که اون رو می پوشم
مامان بزرگ خوشش میاد

من می دونم این مدلی
دوستم داره خیلی زیاد

من رو می بوسه و میگه
دختر ناز و مهربون

تو هم شبیه مادرت
همیشه پوشیده بمون

راضیه سادات تقوی
تصویرگر

اکرم السادات هاشمی پور
شاعر

شاهر
کوری

مرداد و شهریور ۱۴۰۴ • شماره ۲۰۱-۲۰۰

۱۶

شگفتی‌های پروانه‌ها برای بچه‌ها

پروانه‌ها نه تنها زیبا هستند، بلکه شگفتی‌های زیادی دارند که می‌تواند همه را متحیر کند.

رنگ‌های جادویی:

پروانه‌ها بال‌های رنگارنگ و درخشان دارند. بعضی از رنگ‌ها وقتی نور می‌خورد، برق می‌زند و انگار جادو شده‌اند!

تغییر شکل شگفت‌انگیز:

پروانه‌ها اول تخم هستند، بعد کرم کوچولو می‌شوند، بعد پیله می‌سازند و از آن پیله پروانه زیبا بیرون می‌آید. مثل یک معجزه!

پرواز نرم و سبک:

پروانه‌ها آرام و بی‌صدا پرواز می‌کنند و روی گل‌ها می‌نشینند، بدون اینکه به آن‌ها آسیبی برسد.

بال‌های محافظ:

بعضی پروانه‌ها بال‌هایی دارند که در مقابل شکارچیان از آن‌ها محافظت می‌کنند.

بوی گل‌ها را با پاهایشان حس می‌کنند:

جالب است! پروانه‌ها پاهایشان را به گل‌ها می‌زنند و بوی خوش را پیدای می‌کنند تا از شهد آن‌ها بخورند.





قهرمان مهربان

شهید سرلشکر امیرعلی حاجی زاده،
فرمانده نیروی هوافضای سپاه، یک
قهرمان واقعی بود. او از آسمان و مردم
کشورش محافظت می کرد تا همه در
آرامش زندگی کنند.

کودکی

عمو حاجی زاده فقط یک فرمانده شجاع نبود؛ دلش خیلی مهربان بود، مخصوصاً با بچه‌ها.

روزی او به دیدن بچه‌های بهزیستی رفت. وقتی وارد شد، کنارشان نشست، لبخند زد و خیلی صمیمی با آن‌ها حرف زد. به سوال‌هایشان گوش کرد و با مهربانی همه سوال‌ها را جواب داد.

بچه‌ها همان لحظه فهمیدند که عمو نه تنها یک قهرمان شجاع، بلکه دوستی مهربان است که دلش پر از عشق به آن‌هاست.

او همیشه به بچه‌ها می‌گفت:

«بچه‌ها! خوب درس بخوانید تا آینده روشنی داشته باشید.

همه کودکان او را خیلی خوب می‌شناسند: قهرمانی شجاع با قلبی مهربان، کسی که شجاعتش از عشق به کودکان می‌آمد.



راضیه سادات تقوی

تصویرگر

شاهر
کوری

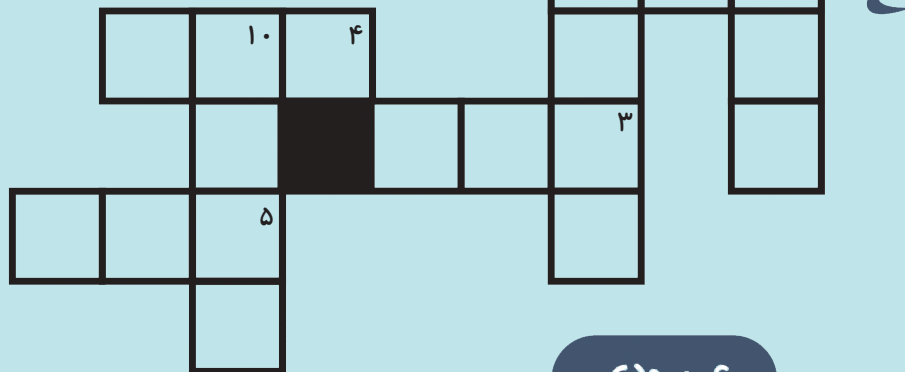
۱۹

مرداد و شهریور ۱۴۰۴ شماره ۲۰۱-۲۰۰



افقی

- ★ ۱- چیزی که می‌خوریم و شیرین است
- ★ ۲- موجودی که پرواز می‌کند
- ★ ۳- رنگ آسمان
- ★ ۴- وسیله‌ای که با آن می‌نویسیم
- ★ ۵- میوه زرد و خوشمزه



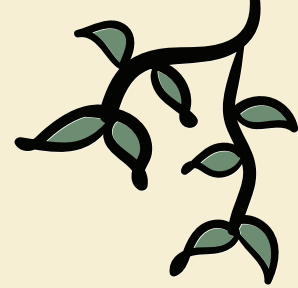
جدول متقاطع

عمودی

- ★ ۶- حیوان خانگی دوست داشتنی
- ★ ۷- چیزی که روی آن می‌نشینیم
- ★ ۸- چیزی که در مدرسه می‌بینیم و می‌خوانیم
- ★ ۹- وسیله‌ای برای پوشیدن پا
- ★ ۱۰- میوه‌ای که می‌خوریم و ترش است



شاهر
کودی



دانشنی‌ها

اسب‌ها ایستاده به خواب می‌روند.



سریع‌ترین سیاره‌ای که در منظومه شمسی می‌چرخد، مشتری است.



برای سفر با هواپیما به مقصد پلوتون، باید بیش‌تر از ۸۰۰ سال در راه باشید.



رعد و برق پنج برابر گرم‌تر از خورشید است.

دیگه خجالت نمی کشم

روزی روزگاری، دختری به نام نرگس بود که خیلی خجالت می کشید. هر وقت می خواست جلوی دوستانش حرف بزند یا در کلاس سوال بپرسد، قلبش تند تند می زد و صورتش قرمز می شد. نرگس دوست داشت مانند بقیه راحت و شجاع باشد، اما نمی توانست.





معلم و بچه‌ها خوشحال شدند و گفتند: «آفرین نرگس! تو خیلی شجاع بودی!» از آن روز به بعد، نرگس دیگر خجالت نمی‌کشید. هر وقت سوالی داشت راحت اجازه می‌گرفت و از خانم معلم سوال می‌پرسید. او هر روز بیشتر و بیشتر با بچه‌ها دوست می‌شد و از مدرسه لذت می‌برد.

یک روز معلم مهربانش به بچه‌ها گفت: «امروز هر کدوم از شما با شجاعت به کار کوچیک انجام بده، حتی اگه از آن کار ترس داشته باشید!»

نرگس خیلی فکر کرد و تصمیم گرفت که در کلاس بلند حرف بزند و سوال بپرسد.

وقتی نوبت نرگس شد، نفس عمیق کشید، بلند گفت: «خانم معلم، من یک سوال دارم!» همه بچه‌ها به او نگاه کردند. نرگس اول کمی ترسید، اما بعد لبخند زد و سوالش را پرسید.



محمد ولی زاده

نویسنده

راضیه سادات تقوی

تصویرگر

شانه کوردی



مرداد و شهریور ۱۴۰۴ شماره ۲۰۰-۲۰۱



زهرا قائمی فرد
۹ ساله فریمان



طراوت مهر افشان
۱۰ ساله از تهران



نقاش کوچولو



جانان جهان جام
۱۱ ساله خراسان رضوی فریمان



فاطمه صالحی
۱۱ ساله از تهران



عصر یک روز گرم

کتاب «عصر یک روز گرم» نوشته ابراهیم حسن بیگی با تصویرگری امیر نساجی، داستان دختر بچه‌ای است که با نقاشی‌هایش به دنیای رنگ‌ها سفر می‌کند و گذشته را از نگاه کودکان می‌بیند. در روز عاشورا، او کودکان تشنه و سختی‌های اهل بیت را به یاد می‌آورد و خیمه‌ها و پیاله‌های خالی آب را نقاشی می‌کند و شجاعت حضرت ابوالفضل (ع) را مشاهده می‌کند.



همه بچه‌ها لاکپشت کوچولو هستند!

کتاب «همه بچه‌ها لاکپشت کوچولو هستند!» اثر رضا موزونی با تصویرگری احلام فائز برای گروه سنی بالای ۷ سال منتشر شده و شامل سه داستان کوتاه است. داستان‌ها با نگاه کودکان به احساسات و دل‌نگرانی‌های بچه‌ها می‌پردازند.



منم آسمونی
شدم!



شید
سپید کتولی